

# چند روز در سیرجان قاجاری

حسام الدین اسلاملو

تاریخ

چهارگنبد هزار و لاله زار واقع در دور دست‌ها تغذیه می‌کنند. دامنه‌ها و قله‌های پوشیده از برف این کوه‌ها ویژگی بارز و شکوهمند چشم‌اندازش بود. منزلگاه اول ادوارد استاک در سیرجان، روستای عباس‌آباد بوده است. روستایی مجاور قلعه‌سنگ که تا همین چند سال پیش با اینکه خالی از سکنه شده بود هنوز وجود داشت اما تخریب گشت و در باغ‌های پسته بلعیده شد. او از خانه‌های گنبدی آنجا می‌گوید و توضیح می‌دهد که در اکثر ایران این نوع بنا را ترجیح می‌دهند چون چوب کمیاب است. سپس سفرنامه نویسی پس از توضیحات چند سطر از مردم عباس‌آباد، به مرکز سیرجان یعنی سعیدآباد وارد می‌شود: «در سعید آباد به کاروانسرا رفتیم. زکی‌بیگ (تفنگچی گماشته‌ی همرا کاروان) را نزد حاکم فرستادیم.

او با این خبر برگشت که اقامتگاه‌مان نیم ساعته آماده می‌شود. ساختمان خشتی وسیعی که محتاج تعمیر اساسی بود. سرشب حاکم را ملاقات کردم. او جوان خوش مشربی بود که یکی از چشمانش لوچ بود. پدرش عایدات منطقه سیرجان را با دو هزار تومان خریداری کرده بود و این درحالی بود که علاوه بر عوارض باید سالانه مبلغ ۲۶ هزار تومان به خزانه‌ی دولت واریز کند.

موعده پرداخت وجوه معوقه سوای آن دو هزار تومان فرا رسیده بود. و حاکم به کرمان رفته بود تا قضیه را سر و سامان بدهد و مهلت بخواهد. پسرش را تا زمان بازگشت حاکم منطقه تعیین کرده بود. آن مرد جوان نمونه‌ی کاملی از شاهزاده‌ای مهربان و خوش مشرب بود. به ویژه اطلاعات زیادی درباره موسیقی داشت. به جز موسیقی در سایر رشته‌ها کاملاً بی‌سواد بود. وی حتا با جغرافیای منطقه سیرجان ناآشنا بود. در مقایسه با فارس گرسنگی کشیده و فقیر، ظاهر شهر سیرجان امیدبخش و پر رونق است. «مردم او سپس توصیف پوشاک سیرجانی‌ها را می‌کند: «مردم سعیدآباد پوششی مناسب به تن دارند و پوستی روشن‌تر از اهالی جنوب.

بچه‌ها بشاش و و زیبا هستند. در سعیدآباد می‌توانی لباس زنانه‌ی واقعی ایرانی را دید. تونیک همراه با دامن‌هایی که تقریباً به زانوی زنان می‌رسد و شلوارهایی گشاد به رنگ آبی و کلاهی نم‌ی بر سر.»

استاک درباره سیرجان قدیم می‌افزاید: «سعیدآباد هشت هزار نفر جمعیت دارد. شهری آباد است و بازاری سرپوشیده و آبرومند و آراسته دارد.»

استاک سیرجان را شهری غنی و ثروتمند توصیف می‌کند که مردمش بسیار سخت‌کوش هستند و (برخلاف امروز) آن قدر منظم و قانونی که به گفته نویسنده تنها شهری بود که فقط یک تفنگچی داشت! او تنها در سیرجان و روستاهای ترک‌نشین آن توانسته روی غیر گوشه‌نشین و اجتماعی زنان ایرانی را ببیند. سعادت‌آباد، کران و پاریز و مناطق اطراف آن از دیگر جاهایی بوده که استاک آنجاها حضور یافته، ساکن شده و با مردمانش خوش و بش کرده و روستایشان توصیف کرده است.

«شش ماه در ایران» از سفرنامه ادوارد استاک، کتابی ۳۰۰ صفحه‌ای است که پیش از این توسط نشر ققنوس با ترجمه‌ی شهلا طهماسبی منتشر شده بود اما به تازگی یکی از ناشران استان کرمان؛ چهار فصل از یادداشت‌های ادوارد استاک را با ترجمه مجید باغینی‌پور منتشر کرده است که در آن سفر استوک از سیرجان تا کوهبنان را شرح می‌دهد.

کتابی ۷۲ صفحه‌ای در قطع رقعی که توسط انتشارات خدمات فرهنگی کرمان منتشر شده است. درباره ادوارد استاک ایرلندی اطلاعات زیادی وجود ندارد. او کارمند غیرنظامی حکومت هند انگلستان یا راج بریتانیا بود (تشکیلاتی که انگلیسی‌ها برای اداره شبه‌قاره هند ایجاد کرده بودند) و نیز از مقامات سازمان «منطقه و مستعمره» در ایالات شمال غربی هند. استاک پس از هشت سال کار در هندوستان، در ژانویه ۱۸۸۱ م / ۱۲۹۸ ه.ق به قصد سفر به اروپا از طریق ایران و دیدن این سرزمین پررمز و راز از هند خارج شد. او مانند اکثر کسانی که از هندوستان به ایران می‌آمدند مقصدش بوشهر بود و در فوریه ۱۸۸۱ م / بهمن ۱۲۹۸ ه.ق در اواخر دهه سوم سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار وارد ایران شد.

پس از گشت‌وگذاری مفصل و شبانه‌روزی در مناطق جنوبی ایران به تهران و از آنجا به شمال ایران رفت تا از راه روسیه به اروپا بازگردد. دقت نظر و دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه و واقع‌بینانه و نثر هنرمندانه و تصویری استاک جذابیت زیادی به نوشته‌های او بخشیده است و چون برای این سفر مأموریت دولتی نداشته تا حدودی بدون جانبداری و تعصب خاص برخورد کرده و با ایرانیان بسیار اخت شده است. او در بخش آخر سفرنامه خود نتیجه‌گیری‌ها، ارزیابی‌ها و توصیه‌هایی برای استفاده از منابع طبیعی و انسانی سرشار ایران کرده است که امروز نیز مصداق دارد و یک نمونه آن کویرهای نمک بسیار و گسترده ایران است.

همچنین توضیحاتی درباره مختصات جغرافیایی، نظام مالیات ارضی در مناطق جنوبی و مرکزی و وضعیت عمومی ایران در آن زمان ارائه داده است.

بخش ورود به منطقه‌ی سیرجان از آبادی از وقتی شروع می‌شود که ادوارد استاک همراه با همراهانش از کوه‌های جنوبی سیرجان سرازیر می‌شوند. او توصیف زیبایی از دشتی که چهارطرفش را کوه پوشانده و قله‌های دوردست پوشیده از برف بوده‌اند: «حال در حوزه سیرجان بودیم که مرکز آن سعیدآباد است. سیرجان منطقه‌ای است وسیع و پر رونق که در ابتدای دشت یا دره‌ای واقع شده است و از جهت شمال غربی تا اصفهان امتداد دارد. آب سیرجان از قنات‌های تامین می‌شود که در دامنه‌ی کوه‌های شرق سیرجان حفر شده‌اند. این قنات‌ها را رشته کوه‌های سر به فلک کشیده